

متن پرسش

سلام علیکم: در ادامه سوال قبل (معنای راوی حدیث) سوالم این است که: آیا ولایت سیاسی جدای از فقاہت و معرفت الله است؟ و به صورت مجزا تعریف می فرمایید؟ یا لازمه ولایت سیاسی، جامعیت فقیه در فقاہت و معرفت الله (معرفت به نبی (ص) یا معرفت به امام (عج)) است و در غدیر خم اینها در کنار هم توسط رسول الله (ص) تبیین شده است؟ مخصوصا با توجه به معنای عرفی و تحت الفظی این کلمه (راوی حدیث) آیا می توانیم اصل اتصال و همجواری با نبی (ص) یا با امام حی (ع) را که ناظر بر ارتباط معنوی با اولی الامر است از این کلمه حذف کنیم؟ با توجه به این جمع بندی به نظر حقیق قاعدتا معنای راوی حدیث ناظر بر جامعیت یک فرد در فقاہت و معرفت الله (اتصال معنوی با نبی (ص) یا امام (ع)) است؟ یا آنکه به نظر شما فقاہت به تنهایی در فرد می تواند مصداق معنای (راوی حدیث) باشد بدون آنکه امام زمانش را شناخته باشد و متصل باشد؟ و یا یک عارف نیز صرفا به اعتبار علم باطنی اش به تنهایی می تواند مصداق معنای راوی حدیث در یک صنفی از اصناف و نحله های سلوکی باشد؟ و یا آگاهی سیاسی یک فرد نیز به تنهایی می تواند مصداق شان راوی حدیث و ولایت سیاسی باشد بدون آنکه لزوما فقیه باشد؟ یا می فرمایید راوی حدیث جامعیت در فقاہت و معرفت الله دارد (فقیه جامع الشرايط باشد) و این جامعیت در فقاہت و معرفت الله است که ولایت سیاسی را نیز معنی می بخشد؟ کما اینکه نواب اربعه را امام زمان (عج) راوی حدیث خود نامیدند نه به اعتبار صرفا شم سیاسی آنها یا صرفا به اعتبار علم به احکام دین یا صرفا به دلیل ارتباطشان با امام حی (عج)! بلکه به اعتبار جامعیت در فقاہت و معرفتشان به امام زمان (عج)! (فقیه جامع الشرايط) که البته در زمان غیبت کبرا قاعدتا این سنت اهل بیت نباید تغییر کرده باشد و معنای راوی حدیث در زمان غیبت همان معنایی را دارد که در زمان غیبت صغرا امام زمان (عج) احیا فرمودند و عملا متذکر شدند الا آنکه نوع ارتباط راوی حدیث در طول زمان غیبت کیفیتش متفاوت است و یا از حالت خاص به عام تبدیل می شود اما این به معنای تغییر کردن معنای راوی حدیث در سنت اهل بیت (ع) است؟! لذا اصل ارتباط راوی حدیث با نبی (ص) یا امام حی (ع) (ولو حسب تزکیه نفس و معرفت باطنی به آن حضرات) یک اصل و سنت است و تنزل نیافته است. لذا امام (عج) بر کلمه راوی حدیث تاکید فرمودند نه بر کلمه فقیه یا عالم یا ... ! لطفا پاسخ قبلی خود را با توجه به مطلب اخیر، شفاف تر بفرمایید و نظر حقیق را نقد بفرمایید. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هرطور در نظر بگیریم در هر حال راوی حدیث به آن معنایی که در روایت هست کسی باید باشد که معارف لازم را در فهم حدیث داشته باشد، حتی اگر صرفاً نظر به روایات فقهی هم دارد معرفت نسبتاً لازم را در اصول دین دارا است هرچند لازم نباشد در موضوعات دیگر مثل توحید و معاد، متخصص باشد. و فقیهی که باید در امور سیاسی هدایت جامعه را به عهده بگیرد، علاوه بر مقدمات لازم که در تفقه در روایات باید داشته باشد اطلاعات لازم از تاریخ و مسائل جاری در جامعه را نیز نیاز دارد و این غیر از آن است اگر کسی آگاهی سیاسی از جامعه و تاریخ را داشته باشد بدون زیربنای فقهی بتواند موضع‌گیری صحیحی را ارائه دهد. موفق باشید